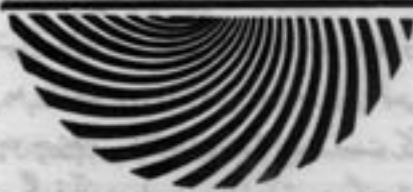




دراهریشه کن ساختن فقر



فاجعه
بزرگ
بشریت

فصلت چهل و پنجم



آیت الله حسین نوری

کاملتر باشد بهمان اندازه دارای ارزش بیشتر و شخصیت والاتری است و در نتیجه انسانی است انسان تر، خدوم تر، صالح تر، و مفید تر. و ضمناً کسانی که نقطه مقابل و مخالف این اوصاف و کمالات را دارا می باشند یعنی علاوه بر اینکه فاقد این سرمایه های بزرگ معنوی بوده به ستمگری و خیانت و دروغگوئی و امثال اینها متصف هستند، دارای ارزشهای منفی و شخصیتهای پست و در نتیجه، خطرناک و زیان آور و فسادانگیز می باشند.

قرآن کریم می گوید: **ام نجعل الذین آمنوا وعملوا الصالحات کالمسکین فی الارض ام نجعل المنقبین کالفجار یعنی: «آیا افرادی را که ایمان بخداوند آورده و به انجام اعمال شایسته می پردازند مانند فسادانگیزان روی زمین و افراد باتقوا را همسنگ فاجران قرار خواهیم داد؟»**

جسمی و یا فکری فاقد می باشند یا اینکه به کارهای موجود و رائج در جامعه می پردازند ولی درآمد آنها از آن کارها باندازه ای که جوابگوی احتیاجات زندگی آنان باشد نیست. بچه ترتیبی باید باشد؟

در این مورد برای اینکه این موضوع مهم از لحاظ کمیت و کیفیت (از جهت مقدار و چگونگی) روشن گردد باید باین دو اصل از اصول اسلامی توجه کنیم:

۱- یکی از اصول روشن اسلام این است که معیار شخصیت اشخاص و ارزشها و احترامات آنها باید در جامعه تنها براساس معنویات و کمالات انسانی استوار باشد.

و بطور خلاصه، صداقت، امانت، ایثار عدالت تواضع و صبر و پایداری در راه حق و امثال اینها اساس احترام و تجلیل و ارزش اسلامی است و هر فردی بهر اندازه که در این قبیل کمالات انسانی

در ادامه این بحث اساسی و اجتماعی که با توفیق خداوند متعال تحت عنوان «دراهریشه کن ساختن فقر» آغاز کرده ایم، موضوع بحث باین نقطه منتهی گردید که دولت اسلامی نیز در این زمینه وظائف بسیار حساس و مهمی دارد که آن وظائف در ضمن این چند موضوع خلاصه گردید:

- ۱- ارتباط و آمیزش مداوم با فقرا.
- ۲- ساده زیستن و با فقرا در نحوه زندگی شرکت داشتن.
- ۳- تأمین نیازهای ناتوانان.
- ۴- ایجاد کار برای بی کاران.

به شرح هریک از این موضوعات در مقاله های گذشته - چنانکه ملاحظه کردید - پرداختیم.

اکنون در اینجا این بحث پیش می آید که تأمین نیاز کسانی که قدرت اداره زندگی خود را ندارند - اعم از اینکه قدرت کار کردن را بطور کلی بواسطه نقص

۲- یکی دیگر از اصول اسلام این است که افراد مؤمن باید در پرتو عزت و کرامت زندگی کنند و عزت خود را همواره حفظ نمایند و هرگز نباید شخصاً دست به کاری بزنند که عزت آنها رایه مخاطره بیاندازد و دیگران نیز وظیفه دارند در راه حفظ عزت آنها کوشا باشند.

براساس این دو اصل تجلیل و احترام نسبت به ثروتمند در صورتی که بخاطر پول و ثروتش انجام بگیرد جائز نیست و بر خلاف اصول اسلامی است حضرت امیرمؤمنان (ع) فرمودند «من اتى غنياً فتواضع له لغناه ذهب لثنا دینه یعنی: «کسیکه نزد توانگری رفته برای ثروت و مالش در برابر او فروتنی کند دو سوم دینش از دست رفته است»^۱ (زیرا این موضوع با اعتقاد و اخلاق اسلامی منافات دارد و می دانیم که دین اسلام از سه پایه اساسی اعتقاد، اخلاق و عمل تشکیل یافته است. و این کار چنانکه گفتیم با اعتقاد صحیح و اخلاق اسلامی یعنی «دو سوم دین» در تضاد است.

بنابراین تکریم و تعظیمی که بر محور ثروت و قدرت مادی دور می زند از دیدگاه اسلام محکوم و مردود است. و این مطلب نیز از آنچه که ذکر گردید روشن شد که تحقیر و هرگونه برخورد منفی که در رابطه با فقر و نسبت به فقیران انجام بگیرد از دیدگاه اسلام محکوم می باشد.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: من لقی فقیراً مسلماً قلتم علیه خلاف سلامه علی الغنی لقی الله عزوجل يوم القيمة وهو علیه غضبان»^۳.

یعنی: کسیکه با فقیر مسلمانی برخورد کند و در مورد سلام کردن، میان سلام بر او و سلام بر ثروتمند فرق بگذارد (یعنی: سلام و تعارف او با ثروتمند پررنگ تر و سلام و تعارف او بر فقیر

کم رنگ تر باشد) خداوند را روز قیامت در حالی ملاقات می کند که خداوند بر او غضبناک است.

از این قبیل احادیث که این یکی بعنوان نمونه ذکر گردید منطبق و دیدگاه اسلام برای ما روشن می شود و این مطلب ثابت می گردد که اسلام هرگز روا نمی دارد که شخصی بواسطه اینکه فقیر است مورد تحقیر یا مورد بی مهری یا بی توجهی قرار بگیرد و در حکومت اسلامی لازم است مانند فرزندی در کنف حمایت دولت اسلامی که جنبه سرپرستی وی را بعهدہ گرفته است زندگی کند.



و بطور کلی وظائف دولت اسلامی را در این رابطه در این ۳ موضوع بیان می کنیم.

۱- میدان تحصیل علم و تخصص و کمال را برای همه باید فراهم کند و درهای آنرا بروی همگان باز بگذارد و شرائط پیشرفت و شکوفائی استعدادها را برای همگان بطوری مهیا سازد که تصور هیچگونه تفاوت و تبعیضی میان افراد وجود نداشته باشد.

یکی از کارهای مهمی که در مرحله اول تأسیس حکومت اسلامی بدست مبارک حضرت رسول اکرم «ص» پی ریزی شد همین موضوع بود آنحضرت در نتیجه درهم شکستن سدهائی که

براساس طبقه بندی های موهوم آنروز بوجود آورده بودند و موانعی در راه پیشرفت محرومین اجتماع و شکوفائی استعدادها ایجاد کرده بودند محیطی بوجود آورد و امکانات و وسائلی فراهم کرد که رشد و پیشرفت همگان فراهم گردید و در نتیجه از میان همین محرومین اجتماع، دانشمندانی کامل، فرمانروایانی صالح، سربازانی نیرومند، سپاهیان مقتدر، افسرانی شایسته کارگرانی متعهد و ماهر، کسبه و تاجران با تقوا و پاک، زنانی مجاهد و دانشمند و مادرانی انسان ساز برخاستند که اگر این اقدام صورت نمی گرفت آن استعدادها همه خفه و خاموش می شد و آنهمه آثار حیاتی بوجود نمی آمد.

۲- ایجاد وسائل اشتغال به کار برای همه افرادی که قدرت کار کردن را دارند و این موضوع باید بطوری جامع و در عین حال گسترده باشد که هر فردی با هرگونه ذوق و استعداد و تخصصی که دارد اگر بخواهد به هر کاری دست بزند وسائل کار برای او فراهم باشد (این موضوع در مقاله گذشته نیز مورد بحث قرار گرفت).

۳- می دانیم بسیاری از افراد که به شغل های اجتماعی و فرهنگی از قبیل تعلیم و تربیت و تعلم، ارشاد و تبلیغ دستورات دینی، طبابت، پرستاری، اشتغالات ارتشی، سپاهی، بسیجی، پلیسی، جهاد، حفظ امنیت داخلی بسیاری از پستهای اداری، کارهای صنعتی و خدماتی اشتغالات بازاری و تجاری می پردازند قدرت اداره کامل زندگی خود را از لحاظ احتیاجات مادی پیدا نمی کنند از این جهت به مضیقه می افتند.

و نیز می دانیم این قبیل افراد تنبل و سست نیستند ولی درآمد آنها چنانکه

گفتیم. مخصوصاً با توجه به تورم و گرانی قیمت‌ها که غالباً در جوامع بوجود می‌آید آن اندازه نیست که آنها را اداره کند، در این شرایط، دولت اسلامی با توجه به امکاناتی که اسلام در اختیار او گذارده است (از قبیل انفال و سایر منابع درآمد که قبلاً به شرح آن پرداخته‌ایم) وظیفه دارد که علاوه بر اداره زندگی افرادی که اساساً قدرت کار کردن را ندارند، این قبیل افراد را نیز طوری اداره کند و نیازمندیهای آنان را تأمین کند که با آسایش و رفاه و فراغت خاطر زندگی کنند و قدرت ادامه شغل خود را داشته باشند.

علامه شهید سید محمد باقر صدر در مقام بیان مسئولیت دولت اسلامی می‌گوید: دولت وظیفه دارد «توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی» را پدید بیاورد و مقصود از سطح زندگی این است که مال و ثروت باندازه‌ای در دسترس افراد قرار بگیرد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز از مزایای زندگی برخوردار گردند.

البته در داخل سطح مزبور درجات مختلفی به چشم خواهد خورد ولی این تفاوت بر خلاف اختلافات شدید طبقاتی در رژیم سرمایه‌داری، تفاوت درجه است (که با موقعیت و احتیاجات افراد ارتباط دارد) نه تفاوت اصولی در سطح زندگی.

دولت اسلامی بر اساس وظیفه‌ای که دارد از طرفی جلو اسراف و تبذیر و تجمل‌طلبی‌ها و زیاده‌رویها را می‌گیرد و از طرفی سطح زندگی افرادی را که از لحاظ اداره «زندگی خود» در مضیقه می‌باشند با کمک خود بالا می‌آورد و در نتیجه، توازن اجتماعی در سطح معیشت زندگی را پدید می‌آورد.^۱

در احادیثی که از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم صادر گردیده

است در بسیاری از موارد باین عبارت بر می‌خوریم که: «باید فرمانروا آنقدر باین افراد کمک کند که مستغنی و بی‌نیاز شوند» یعنی نیازهای آنها بطور کلی تأمین گردد.

مردی به نام اسحق بن عمار از حضرت صادق (ع) پرسید به یک فرد که قدرت اداره زندگی خود را ندارد ۱۰۰ درهم بدهم فرمود: «بلی» گفت: ۲۰۰ درهم فرمود: «بلی» عرض کرد: ۳۰۰ درهم فرمود «آری» گفت ۵۰۰ درهم باز هم فرمود «بلی» و بالأخره فرمود: باندازه‌ای بده که او را بی‌نیاز کنی.^۵

ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید: من رفیقی دارم که خانه‌ای بقیمت ۴۰۰۰ درهم و نیز شتری و خدمتگزاری دارد ولی از جهت وضع زندگی در مضیقه است آیا باید به او کمک شود؟ حضرتش در پاسخ فرمود «بلی» باید به او کمک شود بطوری که ناگزیر به فروختن خانه و شتر خود و از دست دادن خدمتگزار خویش نشود.^۶

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام به فرمانروای یکی از مناطقی که از طرف آنحضرت در آن نقطه فرمانروائی داشت مرقوم فرمودند: «هر اندازه از اموال که در نزد تو جمع شده است در همانجا به افرادی که در مضیقه اقتصادی واقع شده‌اند باندازه‌ای که احتیاجات زندگی آنها را رفع کنی بده سپس بقیه را به مرکز حکومت اسلامی بفرست.^۷

و بالأخره در احادیث بسیاری از ائمه (ع) سؤال شده است که افرادی با داشتن خانه و خدمتگزار در مضیقه اقتصادی می‌باشند آیا لازم است به آنها کمک شود تا از مضیقه اقتصادی رهائی بیابند؟

ائمه علیهم السلام در پاسخ لزوم کمک بآنها را مورد تأکید قرار داده‌اند. این موضوع مورد قبول همه فقهاء اسلامی که از مکتب پرفضیلت اهل بیت علیهم السلام الهام می‌گیرند نیز می‌باشد و صاحب جواهر در کتاب پرارزش خود گفتار آنها را بطور مشروح نقل نموده است.

آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی رضوان الله علیه در کتاب العروة الوثقی می‌گوید: اگر کسی با داشتن خانه مسکونی، خدمتکار، و مرکب سواری مورد نیاز، از لحاظ اداره زندگی خود در مضیقه باشد باید به او کمک کرد تا زندگی خود را در حد رفاه و آسایش بتواند اداره کند. و نیز می‌گوید: «دانشجویانی که در نتیجه اشتغالات درسی نمی‌توانند به کسب و کار پرداخته هزینه زندگی خود را تأمین کنند باید مورد حمایت و کمک قرار بگیرند خواه دانشی که بتحصول آن مشغول می‌باشند واجب عینی باشد یا واجب کفائی و یا مستحب».

از آنچه ذکر گردید - چنانکه ملاحظه می‌کنید - این مطلب بیش از پیش بر ما روشن می‌گردد که یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی «ریشه کن ساختن فقر» از تمام راههای ممکن می‌باشد.

- ۱- آیه ۲۸ از سوره ص.
- ۲- نهج البلاغه کلمات قصار ص ۲۱۹.
- ۳- سفینه البحار ج ۲ ص ۳۷۹.
- ۴- اقتصادنا ج ۲ ص ۶۱۹.
- ۵- اقتصادنا ج ۲ ص ۶۲۹.
- ۶- وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۶۲.
- ۷- نهج البلاغه نامه ۶۷.

